

چکیده

گنجینه اصلی حرفه مربیان و معلمان، معرفت است. معلم حتی هنگامی که علاقه‌مند به بهداشت جسمانی و سلامت عاطفی دانش‌آموز باشد، باز باید قضاوت خود را به معرفتی معتبر، استوار سازد. رشته‌ای از معرفت که به بررسی معرفت می‌پردازد معرفت‌شناسی نام دارد. فیلسوف به ماهیت معرفت می‌پردازد.

برای معلم یکی از مهم‌ترین موارد در زمینه‌ی معرفت‌شناسی این است که میان انواع معرفت، تفاوت قائل شود. این مقاله به بحث معرفت و شناخت، تعریف و انواع معرفت و منابع شناخت و حقیقت و ملاک تشخیص آن می‌پردازد. در درس فلسفه سوم دبیرستان بحث معرفت و رابطه آن با فلسفه و انواع شناخت‌ها مطرح می‌شود که این مقاله می‌تواند مورد استفاده معلمان در این درس باشد.

شناخت به لحاظ فلسفی

شناخت یا معرفت، یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز انسان از حیوان است. به فیلسوفی که ماهیت، ریشه‌ها و حدود معرفت انسانی را توضیح می‌دهد، «معرفت‌شناس» می‌گویند [نیکزاد، ۱۳۶۵].

یکی از مسائل اساسی فلسفه، شناخت‌شناسی یا معرفت‌شناسی و یا «نظریه‌المعرفه» نام دارد که در آن درباره‌ی ماهیت، چگونگی تشکیل آن، منابع و انواع آن بحث می‌شود. معرفت به‌طور مستقیم با آموزش و پرورش سروکار دارد؛ به این صورت که آموزش و پرورش از یادگیری جدا شدنی نیست و یادگیری نیز همان کسب معرفت است [شریعتمداری، ۱۳۷۵].

تعریف معرفت: رفتاری است که در اثر برخورد فرد با امور گوناگون از او بروز می‌کند. برخی معرفت را کسب معلومات و مهارت‌ها می‌پندارند و برخی دیگر آن را جریان‌ی متغیر می‌دانند که تحول پیدا می‌کند.

تعریف معرفت‌شناسی: در «فرهنگ لغت آمریکایی هری‌تاژ» ۱ معرفت‌شناسی تئوری مربوط به ماهیت دانش است و معرفت‌شناسی بیشتر با مفاهیم سروکار دارد نه حقایق [سجادی، ۱۳۸۰].

شناخت به لحاظ فلسفی

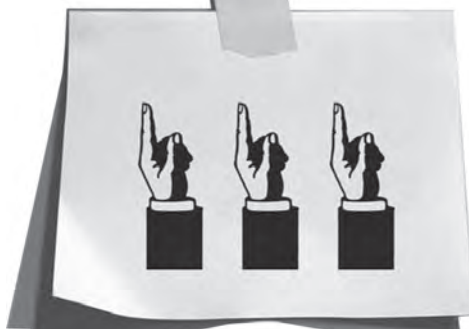
محمد رضا شاه‌آبادی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

▲ کلیدواژه‌ها: معرفت، منابع شناخت، شهود، حقیقت.

انواع معرفت

۱. **معرفت الهامی:** معرفتی است که خداوند بر انسان آشکار ساخته است.
۲. **معرفت شهودی:** معرفتی است که شخص، درون خویشتن به آن دست می‌یابد. به آن «شهود» یا «درک باطنی» نیز گفته می‌شود. انواع نوشته‌های عرفانی بازتاب‌هایی از معرفت شهودی هستند.
۳. **معرفت عقلانی:** این نوع معرفت فقط با استفاده از خرد (عقل) به دست می‌آید. اصول منطق و ریاضیات نمونه‌هایی از معرفت عقلانی به‌شمار می‌روند [نلر، ۱۳۵۶]. آنچه که ذهن مستقلاً به تشکیل آن اقدام کند، معرفت عقلانی تلقی می‌شود [شریعتمداری، ۱۳۷۵].
۴. **معرفت تجربی (حسی):** معرفتی است که به وسیله‌ی حواس حاصل می‌شود. بخشی از معرفت‌ها به وسیله‌ی دیدن، شنیدن، بو کردن، لمس کردن و چشیدن شکل می‌گیرد [نلر، ۱۳۵۶]. در مورد معرفت عقلانی و حسی باید اشاره کرد که معرفت جنبه‌ی حسی خالص ندارد و همین‌طور معرفت عقلانی خالص قابل تصور نیست. لذا معرفت هم حسی است و هم عقلانی [شریعتمداری،





[۱۳۷۵]

۵. معرفت اجتهادی: این گونه معرفت جنبه‌ی سندیت دارد؛ مثلاً سرعت نور برابر است با ۱۸۶۲۸۱ مایل در ثانیه. معرفت اجتهادی بیشتر جنبه‌ی روان‌شناختی دارد.

منابع شناخت

۱. معرفت حسی: برخی از افراد منبع معرفت را حس می‌دانند؛ از جمله **لاک، برکلی، بیکن و هیوم**. منظور از حس، حواس پنج‌گانه است که از میان آن‌ها بینایی و شنوایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. حواس دیگری هم وجود دارند که به حواس داخلی مشهورند؛ مثل حس گرسنگی، حس تشنگی و حس حرکت بدنی [نیکزاد، ۱۳۸۱].
برخی فیلسوفان حواس را به‌عنوان منبعی معرفی می‌کنند که ما را با جهان خارج آشنا می‌سازد. این افراد را حسی‌مذهبان یا اصحاب مذهب تجربه‌ی حسی می‌نامند. از نظر لاک، تصورات ساده از چند طریق وارد ذهن می‌شوند.

۱. پاره‌ای از تصورات به‌وسیله‌ی چند حس وارد ذهن می‌شوند، مثل تصور مکان.
۲. پاره‌ای از تصورات به‌وسیله‌ی یک حس وارد ذهن می‌شوند؛ مثل نور.
۳. پاره‌ای از تصورات ذهنی ناشی از تفکرند؛ مثل استدلال.
۴. برخی از تصورات نیز حاصل احساس و تفکرند؛ مثل درد [شریعتمداری، ۱۳۷۵].

۲. عقل (ذهن): عده‌ای عقل را منبع معرفت معرفی می‌کنند؛ مثل **سقراط، افلاطون، دکارت، اسپینوزا و ولایپ‌نیتز**. فیلسوفانی که عقل را به‌عنوان منبع اساسی معرفت معرفی می‌کنند، «عقلی‌مذهبان» نامیده می‌شوند [نیکزاد، ۱۳۸۱]. ذهن انسان از قدرت تصرف و تجرید (انتزاعی)، تعمیم، تحلیل و ترکیب برخوردار است.

۳. شهود: گروهی دل و شهود را در کسب معرفت مهم می‌دانند؛ از جمله **پاسکال، برکسون** و بسیاری از عرفا و حتی برخی فیزیک‌دانان معاصر از جمله **اینشتین**. شهود یعنی معرفت مستقیم و گاهی به آن معرفت حضوری هم گفته می‌شود که در مقابل معرفت حصولی یا اکتسابی قرار دارد. مهم‌ترین ویژگی معرفت شهودی، امکان دست‌رسی به فعالیت عقل فرابشری است. گاهی شهود را به معنای «بصیرت» هم گفته‌اند. **برگسون**، فیلسوف فرانسوی، شهود را تماس مستقیم پدیده‌ها و درک آن‌ها می‌داند. عرفای بزرگ ما مثل **حافظ، مولوی و شیخ اشراق** (سهروردی)، برای معرفت شهودی ارزش و منزلتی بالاتر از معرفت عقلانی قائل شده‌اند (شاله، ۱۳۳۱). در این زمینه حافظ می‌گوید:

دیدن روی تو را دیده‌ی جان بین باید
وین کجا مرتبه‌ی چشم جهان‌بین من است

خصوصیات معرفت از نظر جان دیویی

۱. وابستگی به موقعیت؛ ۲. نسبی بودن؛ ۳. غیر مستقیم بودن؛

۴. احتمالی بودن؛ ۵. ذهنی بودن؛ ۶. فعالیت ذهن [شریعتمداری، ۱۳۷۵].

حقیقت و ملاک تشخیص آن

مبحث واقعیت در متافیزیک (مابعدالطبیعه) مطرح می‌شود، اما مبحث حقیقت در معرفت مطرح می‌شود. زیرا در بحث شناخت، ما با شناخت حقیقی و شناخت غیرحقیقی مواجه هستیم. ارائه‌ی تعریفی واحد از حقیقت که مورد توافق همه‌ی گروه‌ها باشد، دشوار است، زیرا حقایق متفاوت‌اند. برای مثال، در علوم تجربی حقیقت مطابقت ذهن با واقعیت است، اما این تعبیر در مورد ریاضیات صادق نیست. زیرا در این علم، حقیقت، مطابقت ذهن با ذهن است.

در مورد ملاک تشخیص حقیقت **اگوست کنت** (پدر جامعه‌شناسی) معتقد است: حقیقت می‌تواند توافق اذهان تمام افراد جامعه‌ی انسانی را در یک زمان حاصل کند. این اعتقاد به نظر درست نمی‌رسد، زیرا دانشمندان قبلی نجوم، کره‌ی زمین را مرکز عالم و افلاک تصور می‌کردند. حتی معتقد بودند، خورشید دور زمین می‌چرخد. بعدها دانشمندان اسلامی مثل **ابوریحان بیرونی و شیخ بهایی** و پس از رنسانس، **کپلر، کپرنیک و گالیله** با نظر **بطلمیوس** مخالفت کردند. پس از آن مشخص شد، این حقیقت که زمین ثابت است، توهمی بیش نیست. بنابراین به صرف موافقت ذهن مردم و مقبولیت آنان، یک نظریه نمی‌تواند ملاک حقیقت باشد.

ملاک دیگری که برای حقیقت مطرح شده، مفید بودن آن است. این نظریه را اولین بار **فرانسیس بیکن** (پدر علم جدید) مطرح کرد. در آمریکا پیروان فلسفه‌ی «پراگماتیسم» (تجربه‌گرایی) اعتقاد داشتند که ملاک حقیقت سودمندی و مفید بودن آن در عمل است. یکی از بنیان‌گذاران تجربه‌گرایی به نام **ویلیام جیمز** معتقد بود: هر چه مفید است، حق هم هست. این تحلیل نیز درست نیست، زیرا اگر چه حقیقت با مفید بودن همراه است، ولی در مورد مصادیق جزئی و عینی آن نمی‌تواند صحیح باشد. یعنی ممکن است امری مفید باشد، ولی حقیقت نباشد؛ مثل حیل‌ها و دروغ‌ها. اگر چه برای مرتکبان آن‌ها نتیجه‌ی مفیدی به‌دست می‌آید، ولی حقیقت تلقی نمی‌شود.

آموزش و پرورش از یادگیری جدا شدنی نیست و یادگیری نیز همان کسب معرفت است

شهود یعنی معرفت مستقیم و گاهی به آن معرفت حضوری هم گفته می‌شود که در مقابل معرفت حصولی یا اکتسابی قرار دارد. مهم‌ترین ویژگی معرفت شهودی، امکان دست‌رسی به فعالیت عقل فرابشری است

در علوم تجربی حقیقت مطابقت ذهن با واقعیت است، اما این تعبیر در مورد ریاضیات صادق نیست. زیرا در این علم، حقیقت، مطابقت ذهن با ذهن است



پی‌نوشت

۱. American Herituye Dictionary

فهرست منابع

۱. سجادی، مهدی، تبیین رویکرد استنتاج در فلسفه‌ی آموزش و پرورش، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰.
۲. شاله، فیلیسن، شناخت روش‌های علوم، ترجمه‌ی یحیی مهدوی، تهران، ۱۳۳۱.
۳. شریعتمداری، علی، اصول و فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، انتشارات امیرکبیر، چاپ نهم، تهران، ۱۳۷۵.
۴. نیکزاد، محمود، واژگان توصیفی فلسفه‌ی غرب، انتشارات دانشگاه آزاد رودهن، ۱۳۶۵.
۵. نیکزاد، محمود، کلیات فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، انتشارات کیهان، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۱.
۶. نلر، جرج، آشنایی با فلسفه‌ی آموزش و پرورش، ترجمه‌ی فریدون بازگان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۶.